



شماره ۱۳۶ دوره هشتم سال سوم

سه شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۱۶

اطلاعیه

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده* "کنفرانس ملی" و مصوبات و رهبری برگزیده* آن، ایران عضویت رفیق اکبر شاندرمنی را در کمیته* نشر اکاذیب و افتراات ناپسند و تبعیضکاری با مرکزی به علت زیربنا نهادن اصول سازمانی و گروه فراکسیونی اخراج شده از حزب، معلق اعلام اساسنامه* حزب، انشای اسرار حزبی، نفی می‌دارد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده* ایران

توضیحی پیرامون اطلاعیه هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره

"استعفانامه" رفیق اکبر شاندرمنی

تشکیل "کنفرانس ملی" مخالف اساسنامه بوده، به‌خودی خود باطل بود و رسمیتی نمی‌توانست داشته باشد.

صرفنظر از این واقعیت که رفیق شاندرمنی تا استعفا از هیئت سیاسی "کنفرانس ملی" رابه رسمیت می‌شناخت، باید پرسید، آیا اساسنامه* حزب را در موقع خود چه کسانی و چه ارگان حزبی تصویب کرده بودند؟

هیئت سیاسی سابق، بنا به خواست اعضای حزب، موافق بود تا مجمع صلاحیت‌داری را برای ترمیم رهبری و تصویب برنامه* جدید و اسناد مهم دیگر فراخواند و در پلنوم نوزدهم تشکیل "کنفرانس ملی" و با پلنومی وسیع و پیشنهاد کرد. در بحث پیرامون این دو پیشنهاد، رفیق شاندرمنی بر تشکیل پلنوم وسیع اصرار می‌ورزید، در حالیکه پلنوم وسیع نیز در اساسنامه* حزب پیش‌بینی نشده است. با این وجود، در تاریخ حزب مای پلنوم‌های وسیع بارها تشکیل گردیده است، از جمله پلنوم وسیع ۱۷ که رفیق شاندرمنی از آن به‌عنوان "پلنوم معتبری ... با شرکت گروهی از کادرها و مسئولین کشوری" یاد می‌کند. لزوم بر این، در سال ۱۳۲۹ حزب "کنفرانس وحدت" را تشکیل داد. آیا همه* این اقدامات تنها به این علت که در اساسنامه پیش‌بینی نشده‌اند "به‌خودی خود باطل بود و رسمیتی نمی‌توانست داشته باشد"؟

خاطر نشان می‌سازیم که در همه* دوران فعالیت لمر هلنی حزب این پلنوم‌های کمیته* مرکزی (و "کنفرانس وحدت") بوده‌اند که وظیفه* کنگره را انجام داده‌اند و برنامه‌های مختلف حزب، بجز برنامه* کنونی را تدوین و تصویب کرده‌اند.

رفیق شاندرمنی به عنوان عضو مشاور کمیته* مرکزی، در همه* این پلنوم‌ها و در "کنفرانس وحدت" شرکت داشته، به مصوبات آنها رای داده و هیچگاه نه در ارگانهای صلاحیت‌دار حزبی و نه در بدرون از حزب قانونی این اقدامات را زیر

مربحا به انتشار "استعفانامه" اش از سوی بابک امیر خسروی صحت گذاشت.

۲ - رفیق شاندرمنی در این "استعفانامه" می‌نویسد که از همان آغاز "کنفرانس ملی" را به رسمیت نشناخته است و می‌افزاید: "بنابراین "کنفرانس" با اصطلاح "ملی" جز یک توطئه* آشکار ضد حزب توده* ایران نبوده است...".

شایان توجه است | رفیقی که نه "کنفرانس ملی"، نه کمیته* مرکزی منتخب آن و نه هیئت سیاسی برگزیده* این کمیته* مرکزی را به رسمیت نمی‌شناسد، در استعفاي (۱۰ خرداد ۱۳۴۵ خود (به متن کلمه شده توجه شود) خطاب به هیئت سیاسی می‌نویسد: "لطفاً این متن را برای اطلاع در اختیار اعضای اصلی و مشاور کمیته* مرکزی بگذارید".

بدینسان، رفیق شاندرمنی، علیرغم ادعای خود در "استعفانامه" هم بر رسمیت "کنفرانس ملی" هم بر رسمیت کمیته* مرکزی منتخب آن و هم بر رسمیت هیئت سیاسی برگزیده* این کمیته* مرکزی تاکید ورزیده است. چگونه است رفیقی که "کنفرانس ملی" را "یک توطئه* آشکار ضد حزب توده* ایران" می‌داند، نامه به هیئت سیاسی منتخب همان کنفرانس می‌نویسد و به عنوان عضو هیئت سیاسی استعفاي خود را اعلام می‌کند؟ آیا این دوگانگی دلیل بر آن نیست که رفیق شاندرمنی، حداقل تا زمان استعفایش، هم "کنفرانس ملی" و هم رهبری برگزیده* آن را پذیرفته بوده است؟ قضاوت در این باره را به "وجدان کورنستی" رفیق شاندرمنی واگذار می‌کنیم.

۳ - در "استعفانامه" گفته می‌شود: "در اساسنامه* حزب ما به چنین کنفرانسی کوچکترین اشاره‌ای نشده" و نتیجه گرفته می‌شود که

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده* ایران "استعفانامه" رفیق اکبر شاندرمنی را که چندی پیش از طرف بابک امیر خسروی، برده شده یکی از گروههای فراکسیونی انتشار یافت، بررسی کرد.

هیئت سیاسی ضروری داند تا نظر همه* اعضای حزب رابه نکات زیر معطوف دارد:

۱ - رفیق شاندرمنی که در نخستین جلسه* هیئت سیاسی پس از "کنفرانس ملی" حضور یافت، در تدوین و تنظیم نهایی برنامه و دیگر اسناد مصوب این کنفرانس شرکت فعال داشت، در جریان این جلسه و بدون هیچگونه توضیح و افشاء دلیلی استعفاي خود را از هیئت سیاسی اعلام کرد (متن این استعفا در زیر کلمه می‌شود). هیئت سیاسی تصمیم گیری در این باره و اتا در یافت توضیح کتبی به جلسه بعد موکول ساخت.

در جلسه* بعد هیئت سیاسی، رفیق شاندرمنی پس از ارائه* برخی "دلایل" اعلام داشت که دیگر در جلسات هیئت سیاسی شرکت نخواهد جست و یادآور گشت که با این همه آماده است تا هر گونه وظیفه* حزبی را که به او محول شود، بپذیرد.

رفیق شاندرمنی، که به هنگام ارائه* استعفاي خود کلمه‌ای درباره* هلنی ساختن آن به زبان نیاورده بود، چند روز بعد با زیربنا گذاشتن ابتدائی‌ترین موازین حزبی و اصول اساسنامه* حزب مقنی را برای بابک امیر خسروی، اخراج شده از حزب و سرکرده* یکی از گروههای فراکسیونی، فرستاد، چنانکه می‌دانید بابک امیر خسروی نیز آن را با عنوان "استعفانامه" رفیق شاندرمنی، که حاوی برخی از اسرار درون حزبی و مطالب نامصحیح و بهتان آمیز فراوانی است، به مقاس گسترده چاپ و منتشر کرد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده* ایران پس از آگاهی از این رویداد هیئتی از اعضای خود را مامور بررسی درباره* بیگونی این اقدام ضد حزبی از شخص رفیق شاندرمنی کرد. رفیق شاندرمنی

حکومت سلوواک نبرده است. یادآور می‌شویم که رفیق شاندرمنی خود در پلنوم و مجمع مقدم به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گشت، پلنومی که تشکیل آن می‌باید - طبق "استدلال" وی - غیر قانونی بوده باشد، زیرا در اساسنامه حزب پیش‌بینی نشده است.

۴ - رفیق شاندرمنی مدعی است که پلنوم نوزدهم اکثریت نداشت و برای باصلاح "اثبات" این دروغ آشکار می‌گوید که نزدیک به ۲۰ نفر از اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی در آن حضور نداشتند، اگر واقعاً چنین بود، چرا رفیق شاندرمنی در آغاز کار پلنوم نوزدهم هیچ اعتراضی در این زمینه نکرد؟ واقعیتی که رفیق شاندرمنی دانسته به تحریف آن دست می‌زند، این است که طبق اساسنامه حزب، در پلنوم کمیته مرکزی تنها اعضای اصلی کمیته مرکزی حق رای تعیین‌کننده دارند و آرا اعضا مشاور فقط مشورتی است.

در آستانه تشکیل پلنوم نوزدهم شمار اعضای اصلی کمیته مرکزی بیش از ۱۵ نفر نبود، که از این عده چهار تن به علت بیماری سخت توانایی شرکت در پلنوم را نداشتند، این پلنوم با شرکت بیش از دو سوم اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب تشکیل شد.

درست است که رفیق شاندرمنی در پلنوم نوزدهم در اعتراض به تشکیل "کنفرانس ملی" و دادن حق رای به رفقای شرکت‌کننده در آن جلسه پلنوم را ترک کرد، اما، چنانکه خود نیز در "استعفانامه" اش معترف است، بار دیگر در این پلنوم شرکت جست و به مصوبات آن نیز رای داد. یادآور می‌شویم که پس از پایان کار پلنوم نوزدهم و پیش از تشکیل "کنفرانس ملی" رفیق شاندرمنی به شهادت همه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی - به هیئت سیاسی وقت مراجعه کرد و خواهان آن شد تا پلنوم بار دیگر تشکیل جلسه دهد و با تصویب ماده واحده‌ای کمیته مرکزی را به فراخواندن "کنفرانس ملی" مجاز سازد، این جلسه نیز تشکیل شد و همه اعضای اصلی کمیته مرکزی، از جمله خود رفیق شاندرمنی و نیز همه رفقای مشاور به فراخواندن "کنفرانس ملی" رای دادند - (برخی از اعضای مشاور نیز، که به علت مأموریت‌های حزبی تا آن هنگام در پلنوم شرکت نکرده بودند، در این جلسه و تصمیم‌گیری یاد شده شرکت داشتند).

آیا بازم رفیق شاندرمنی می‌تواند ادعا کند که تشکیل "کنفرانس ملی" یک "توطئه" آشکار شد حزب توده ایران بود؟ اگر چنین است، پس چرا خود رفیق شاندرمنی نیز در این "توطئه" شرکت کرد؟

۵ - در "استعفانامه" رفیق شاندرمنی گفته می‌شود: "متقابلاً بر این حضور در جلسات "کنفرانس" را نباید ۱۵ سال بر سر سبقت شناختن آن گرفت. از رفیقین که ۴۵ سال سابقه عضویت در حزب را داشت، باید پرسید، اگر حضور در پلنوم و شرکت در

تصمیم‌گیریهای آن دال بر برسمیت شناختن آن نیست، در این صورت بنظر از اصلاً که امیک از پلنوم‌های تاریخ حزب دارای "رسمیت" بوده است؟ با چنین استدلالی، رفیق شاندرمنی نه تنها موجودیت حزب، بلکه عضویت ۴۵ ساله خود در آن را نیز زیر علامت سؤال می‌برد، رفیق شاندرمنی در توجیه علت حضور خود در "کنفرانس ملی" چنین می‌گوید:

"... مانند تا در "کنفرانس" نظر خویش را اعلام کنم و استعظام را به اطلاع "کنفرانس" برسانم و پس آن را ترک کنم. لیکن در اثر مراجعات بعضی از رفقای مورد احترام و علاقه‌ام مجبلی بر خودداری موقت از آن کار بخاطر اینکه مسکنست در "کنفرانس" تشنج ایجاد شود، پذیرفتم ... من با چهار می‌بایست تا خاتمه جلسات "کنفرانس" محل را ترک نکنم، تا مبادا افتای محل تشکیل پلنوم و "کنفرانس" را که بقول داشتیم که در کمتر مدتی فاش خواهد گشت - بس نسبت ندهند."

چنین است استدلال را بر مقصد و غرضه امیر کسی که در همه جلسات "کنفرانس ملی" حضور داشت، در هیئت رئیسه جای گرفت، در تعیین نامزدها شرکت فعال جست، نظرات خود را در سخنرانی مفصل به اطلاع شرکت‌کنندگان رسانید و به گزارش کمیته مرکزی، برنامه حزب، قطعنامه و دیگر مصوبات "کنفرانس ملی" رای داد.

آیا چنین شرکت فعلی در "کنفرانس ملی" می‌تواند صرفاً به دلیل جلوگیری از "تشنج" بوده باشد

روشن است که بهانه افتای محل "کنفرانس ملی" نیز فاقد کوچکترین پایه منطقی است، زیرا که رفیق شاندرمنی می‌توانست تا پایان آن در محل برگزاری "کنفرانس ملی" بماند و همراه دیگران آن را ترک کند، اما در جلسات آن شرکت نکند.

۶ - در "استعفانامه" ادعا می‌شود که گویا هیئت سیاسی وقت "افراد شرکت‌کننده در "کنفرانس" را ... تهران از کمیته مرکزی بدخواه خود انتصاب کرده است."

متذکر می‌شویم که هیئت سیاسی وقت، مدت‌ها پیش از تصمیم به تشکیل مجمع صلاحیت‌دار، از همه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و برخی از کادرهای درجه اول خواسته بود تا معیارهای خود را درباره "ترکیب چنین جلسه‌ای کتباً اعلام دارند و اکثر رفقای نیز به این فراخوان پاسخ گفتند.

شود رفیق شاندرمنی در جای دیگری از "استعفانامه" اش می‌نویسد:

"مرگام از من برای دعوت و تقابلی که در "کنفرانس" حضور داشتند، رای می‌خواستند، بی‌گفتگو به عده زیادی از آنها رای می‌آدم و بازم هم رای می‌دم..."

نویسنده این طور فراموش می‌کند که در چند صفحه قبل برای مخدوش جلوه‌گر ساختن ترکیب "کنفرانس ملی" نوشته بود:

پیش از انتصاب "الزاد" برای شرکت در "کنفرانس" من، کمیته‌های کنسولی اروپا، ژنر و

ور کرده و دیگرگون ساختند و انشاس "مراقب طبع" و نهات خویش را بکار گمانتند و از میان ایمان کسانی را برگزیده راهی "کنفرانس" کردند. - ما قضاوت درباره این شد و نقیض گویی را نیز به عده "رفقای حزبی و شرکت‌کنندگان در "کنفرانس ملی" می‌گذاریم.

همچنین به این تناقض باید پاسخ داد که چگونه از یکسری قول رفیق شاندرمنی به "مراقبان طبع" هیئت سیاسی در "کنفرانس ملی" "سپرده" می‌شود که به وی "رای مخالف" بدهند و از سوی دیگر همین شرکت‌کنندگان او را به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران بر می‌گزینند - افتخاری که اکنون روشن می‌شود، رفیق شاندرمنی واقعاً سزاوار آن نبوده است.

۷ - رفیق شاندرمنی بدون کوچکترین عذاب وجدان مدعی است که محمد زمان پهلوان (مازیار) نماینده حزب در مجله "صلح و سوسالیم" بود، این جز دروغی برای لیس مال کردن حزب نیست، این شخص هیچگاه نماینده حزب در "مجله" نبوده است. وی از نشانندگان نامهایی چون آوانسپان، جفری و خاوری در کنار "مازیار" چه اندیشه‌ای را می‌خواهد به خواننده القا کند؟

و اما جانب است که یکی از رفیق نامبرده از جمله همان "رفقای مورد احترام و علاقه" رفیق شاندرمنی بوده است، که وی بخاطرشان پس از ترک جلسه پلنوم نوزدهم دوباره در آن شرکت کرد!

۸ - در "استعفانامه"، رفیق خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، بطور ناجوانسردانه‌ای آماج حمله رفیق شاندرمنی قرار می‌گیرد.

تجدیدی نیست که هدف این رفیق از زدن اتهامهای بی‌سرمانه‌ای چون "بخود مقهور"، "مقام دوست" و غیره به دبیر اول حزب وارد کردن ضربه به حیثیت حزب توده ایران و در راستای همان توطئه‌هاییست که واژگان سیاسی اشراخ شده از حزب تدارک آن را دیده بودند.

در اینجا ما نیازی به دفاع از رفیق خاوری و پاسخ گویی به این اتهامهای خفیف نمی‌بینیم، زیرا زندگی‌نامه سیاسی دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران بلندآزده کافی گویاست. رفیق شاندرمنی دوباره "رفیق خاوری می‌نویسد که حزب ما او را "به نادرست و به غلط و واقعی حساب بخاطر استفاده تشبیهی و تلمیحی در آرگانهای تبلیغاتی معرفی کرده و به عرش اعلاش برده برد"

این است قضاوت درباره رفیق که در مقابل جلادان رژیم شاه در بند آگاه تقاضی، که حکم اعدامش را صادر کرده بود، شجاعانه و شادقانه از موجودیت حزب خود و جهان‌بینی آن دفاع کرد.

نیز رفیق شاندرمنی باید پرسید، زمانی که توده‌یها از مقاومت دلیرانه خاوری تا

مهرماه ۱۳۶۵ - ملاقا! ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۵

در هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

وقت - دین و سید استیسیان خویش را در هیئت در

هیئت سیاسی هم می‌سایم و علی‌آزاد نبود در ادامه جریان

در هیئت آن حواصم داشت

طی هفته گذشته کوشش بسیار کردم ۳ خرداد تا پنجشنبه

که در هیئت با تمام هم و گهرم کوشش کردم و این نتیجه

آورد که هیئت سیاسی منویشم

رفت. این تصمیم نیز باینست که علی‌اصغر اهدام برآید

آورد. این هیئت که کاری در هیئت که از همه هم آرد بهیچ

ممنون! سید! / امیر شاد

دوم خرداد سال ۱۳۶۵ - مطابق با ۳۱ ماه مه سال ۱۹۸۶

به هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقاء بدین وسیله استعفای خویش را از عضویت در هیئت سیاسی اعلام می‌دارم و علل آن را در نامه‌ای جداگانه در اختیارتان خواهم گذاشت.

طی هفته گذشته کوشش بسیار کردم تا خود را قانع سازم به اینکه کار در هیئت را ادامه دهم، لیکن موفق نگردیدم و به این نتیجه رسیدم که آماده بکار در هیئت سیاسی نمی‌باشم.

رفقاء این تصمیم من تغییرناپذیر است. علی‌احمال اعلام می‌دارم که آماده اجرای هرگونه کاری در حزب، که از عهده‌ام برآید، می‌باشم.

موفق باشید
اکبر شاندزمنی

۹ - در "استعفا نامه" پلنوم می‌جدهم نیز مغایر "موازیان حزبی احزاب طبقه کارگر" اعلام می‌شود، زیرا بنظر رفیق شاندزمنی پلنوم "به معنی سیاسی اش یعنی جلسه‌ای با حضور ترکیب کامل همه اعضای منتخب ارگانهای رهبری سازمان یا تشکیلاتی" حدس می‌زنیم که منظور نویسنده از ضرورت "شرکت همه اعضای منتخب ارگانهای رهبری سازمان یا تشکیلاتی" شرکت همه اعضای کمیته مرکزی در پلنوم باشد.

مطابق این تعریف، پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تنها زمانی می‌توانست برگزار گردد که همه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی دریند از زند انبهای رژیم آزاد می‌شدند. و این در حالی بود که رژیم "ولایت فقیه" حزب توده ایران را "منحله" اعلام کرده و احیای رهبری و سازمانهای حزب و فقیه عاجل فردا در اعضای حزب بود.

۱۰ - در "استعفا نامه" آمده است که اعضای هیئت سیاسی "با احزاب و سازمانهای گوناگون تماس گرفته، قول و قرارهایی گذاشته‌اند، اعلامیه بهام کمیته مرکزی امضا و منتشر کرده‌اند. در کنفرانسهای احزاب برادر بنام نمایندگان کمیته مرکزی حزب ما سخنرانیهای دراز و کوتاه کرده‌اند و گفت و شنودها داشته‌اند. روح کمیته مرکزی از آنها بی‌خبر مانده است."

۱۱ - رفیق شاندزمنی به این معترض است که در "کنفرانس ملی" نام برخی از نامزدهای عضویت کمیته مرکزی بصورت مستعار طرح شده بود. کافی بود که این رفیق به آثار لنین مراجعه می‌کرد، تا بداند که برای نمونه "کنفرانس پراگ" حزب یوسوال دمکرات روسیه نیز چنین عمل کرده بود و در حال حاضر نیز احزاب دارای وضعیت همانند ما از این شیوه بهره می‌گیرند.

۱۲ - "استعفا نامه" رفیق شاندزمنی است که ظاهراً از ۴۵ سال عضویت در حزب توده ایران می‌باشد.

حکمت جوها در شکنجه‌گاههای رژیم شاه نیرو می‌گرفتند. وی در کدام عرصه مبارزه حزبی شرکت داشت که امروز با یک امیر خسروی، این واژه سیاسی و خائن به منافع طبقه کارگر او را به "عرش اعلی" می‌رساند؟

گذشته از این آیا رفیق شاندزمنی می‌تواند این واقعیت را بپذیرد که خود او در پلنوم اول پس از "کنفرانس ملی" رفیق خاوری را به نامزدی دبیر اولی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد کرد (پیشنهادی که به اتفاق آرا تصویب شد)؟

به رغم "استعفا نامه" یکی از "جرمهای نابخشودنی" رفیق خاوری آنست که در کمیسیون بررسی تصمیم پلنوم می‌جدهم درباره رفیق صفری شرکت جست و با ارزیابی مدارک و اسناد مستدل این کمیسیون با احیای عضویت رفیق نامبرده در کمیته مرکزی موافقت کرده بود.

لازم به توضیح است که مطابق اسناد موجود، سلب مسئولیتهای حزبی رفیق صفری مغایر با اساسنامه حزب و از طریق سکوت نگهداشتن نامه‌های او به هیئت سیاسی وقت صورت گرفته بود. رفیق شاندزمنی از جمله آن اعضای کمیته مرکزی بود که در پلنوم می‌جدهم، به توصیه این کمیسیون مجلس بر احیای عضویت رفیق صفری در کمیته مرکزی رأی موافق داد و بدینسان همان "جرم نابخشودنی" را مرتکب شد که رفیق خاوری

۱۳ - رفیق شاندزمنی است که ظاهراً از ۴۵ سال عضویت در حزب توده ایران می‌باشد.

وحدات عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

از چنان اتهامها و دروغهای مبتدلی است که ما نهازی به پاسخگویی به تک تک آنها را نمی‌بینیم.

برای نمونه به این اتهام مشغول کننده اشاره می‌کنیم که گویا برای رهبری حزب "همه" نوآمدگان از ایران مشکوگند، ال‌اکسش ثابت شود.

مادر اینجانب نیز قضاوت درباره "صحت و عدم حکم نامبرده را بعد از ۷ هزاران توده‌ای "نوآمده" می‌گذاریم که هم اینک با فدائیکاری بار سنگین و غایب حزبی رانده‌ش می‌کنند. تذکر آنکه بسیاری از این "نوآمدگان" هستند که اکنون در سطوح مختلف، از جمله در رهبری حزب، در راه پیشبرد هدفهای حزب توده ایران مبارزه می‌کنند.

رفقای عزیز! هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با در نظر گرفتن واقعیت‌های نامبرده و با استناد به بندهای الف، ب، ج، د، ز ماده ۱۴ اساسنامه حزب توده ایران درباره وظایف عضو حزب و نیز تبصره ماده ۸ درباره مجازات حزبی تصمیم زیر را اتخاذ کرد:

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران عضویت رفیق اکبر شاندرمنی را در کمیته مرکزی بعلمت زیر با نهادن اصول سازمانی و اساسنامه حزب، افشای ابرار حزبی، تنفی

"کنفرانس ملی" و مصوبات و رهبری برگزیده آن، نشر ایکاذیب و افتراات ناپسند و نیز همکاری با گروه فراکسیونی اخراج شده از حزب، معانی اعلام می‌دارد.

* متن موادی که در این اطلاعیه به آنها اشاره شده است، به قرار زیر است:

۱- وظایف عضو حزب

۲- عضو حزب موقوف است:

الف - مبلغ مرام و شی حزب باشد و برای تحقق آن مبارزه کند.

ب - در راه حفظ وحدت حزب که شرط اصلی نیرو و بقای آنست؟ با تمام قوا بجوشد و از هر گونه کار گروهی و فراکسیونی اکید ابهریزد.

ج - انضباط حزبی را که برای عموم اعضا یکسان است مراعات نماید.

د - ابرار حزبی را اکیداً حفظ کند و در برابر دشمن متیار و استوار باشد.

ز - از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن باشد بهر میزد و سعی کند تار و زندگی شخصی و اجتماعی و رفتارش نمونه باشد.

۲۹ - هیئت سیاسی در قاصله بین دو پلنوم کمیته مرکزی فعالیت حزب را رهبری می‌کند.

به برنامه‌های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرا دهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان ا رادیوی زحمتکشان ایران بانک رسا و زبان بی بند و آزاد توده‌های رهبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرامید و شنیدن آن را به دوستان و آشناپان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر روز در ساعت ۱۹ به مدت نیم ساعت روی امواج کوتاه، رادیوهای ۲۸ متر و ۴۹ متر برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید.

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

نامه مردم را بخوانید و به پخش آن یاری رسانید!

برای اشتراک "نامه مردم" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراک) به آدرس پستی زیر ارسال نمایند:

آدرس پستی:

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

حساب بانکی:

Sweden - Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

اروپا آمریکا آسیا

بهای اشتراک:	<input type="checkbox"/> سه ماهه	معادل	۲۲ مارک	۲۶ مارک	۲۸ مارک
	<input type="checkbox"/> شش ماهه	-	۴۴	۵۲	۵۶
	<input type="checkbox"/> یکساله	-	۸۸	۱۰۴	۱۱۲

آدرس: (لطفاً خوانا بنویسید)

کنک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

NAMEH
MARDOM

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

Price

N. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

مورگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!